

## واکاوی معنویت‌های نوظهور در پرتو ایمان به وعده‌های الهی

محمدعلی اخویان<sup>۱</sup>

نجمه مولوی وردنجانی<sup>۲</sup>

محمدرضا کریمی والا<sup>۳</sup>

عزیز الله مولوی وردنجانی<sup>۴</sup>

### چکیده

معنویت امری است که بشر همیشه به آن تمایل داشته و سرخوردگی انسان از دنیای جدید موجب تشدید آن شده است. با افزایش گرایش به معنویت جریان‌های معنویت‌گرایی بر اساس مبانی فکری و زیرساخت‌های نظری مدرنیته ظهور کرده‌اند که مدعی پاسخ به این نیاز و حل بحران‌های روانی آدمی برآمده‌اند، غافل از اینکه معنویت و کسب آرامش روحی عمیق و پایدار از لوازم اصلی خداواری است که ریشه در ایمان به وعده‌های الهی دارد. این نوشتار بر اساس ضرورت واکاوی کلامی این معنویت‌ها به روش تحلیلی - توصیفی به دنبال کشف نقصان‌های کلامی و اعتقادی این فرقه‌هاست تا ثابت کند معنویت‌های نوظهور علی‌رغم برخورداری از جذابیت‌های فریبنده و ادبیاتی نیکو از مهم‌ترین بنیادهای فکری یک نظام اعتقادی یعنی ایمان به وعده‌های الهی خالی است و به همین جهت نه تنها در قلب و روان پیروان خود اطمینان و دلگرمی ایجاد نمی‌کنند که همواره بر تشویش روانی و اضطراب خاطر آنان می‌افزاید. بنابراین جریان‌های معنویت‌گرایی نوظهور نمی‌توانند پاسخ مناسبی به هوش معنوی انسان باشند. جنبه نوآوری تحقیق پیش‌روی رویکرد انتقادی به دلالت‌های کلامی جریان‌های معنویت‌گرایی نوظهور می‌باشد. بر مبنای یافته‌های این پژوهش ریشه فقر کلامی معنویت‌های نوپدید را باید پس از غفلت از ایمان به وعده‌های الهی در مؤلفه‌های فکری معنویت برخاسته از مدرنیته که عبارت‌اند از نگاه یک‌سویه به انسان، فقدان انسجام درونی، تحریف، عقل‌گریزی، بحران‌زدگی مبلغان و سرمایه‌داری و ماده‌گرایی جستجو کرد.

### واژگان کلیدی

معنویت‌های نوظهور، ایمان، وعده‌های الهی.

۱. عضو هیئت علمی و دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: ma\_akhaviyan@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران.

Email: molavi1394@yahoo.com

۳. عضو هیئت علمی و دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران.

Email: karimavala.mr@gmail.com

Email: molavei@sku.ac.ir

۴. استادیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

## طرح مسأله

ایمان به وعده‌های الهی یکی از مهمترین مقولات دینی است و تحقق آن در نظرگاه دینی جداً مطلوب است. در اهمیت این مقوله همین بس که ۸۱۲ بار در قرآن کریم به کار رفته است. البته این عدد با اوصافی که در قرآن کریم در خصوص ایمان آورده شده است فاصله زیادی دارد. (ایزوتسو، ۱۳۷۸، ص ۸) ایمان را چه امید معنا کنیم و چه به مفهوم باور در نظر بگیریم از اهم مباحث معنویت‌های مرتبط با ادیان توحیدی و از ارکان اساسی در الهیات عقلی است که دارای آثار روانی و تربیتی فراوان است؛ خداوند با این وعده‌ها در مؤمنان ایجاد امید، انگیزه و تحرک نموده و آن‌ها را در وصول به سعادت ابدی یاری می‌کند (فعالی، ۱۳۸۹، ۳۵) اگرچه این مفهوم ماهیتاً پیچیده است و عمق آن را نمی‌توان از راه تحلیل مفهومی دریافت. (ایزوتسو، همان، ص ۱۵) از سوی دیگر علل، آثار و ابعاد متعدد معنویت‌های جدید مطالعه و تحقیق را در مورد آن‌ها ضروری کرده است؛ که از جمله آنان می‌توان به تأثیر آن‌ها بر زندگی و سرنوشت فردی و اجتماعی بشر، تحت تأثیر قرار گرفتن طیف وسیعی از جامعه زنان، مردان، کودکان و سالخوردگان و جذب آن‌ها از طریق آموزه‌های خود، متأثر نمودن فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و هنری، مهیا نمودن افراد با وعده‌های دروغی برای اجرای هرگونه عملیات خرابکارانه و تروریستی، متقاعد نمودن افراد برای زیر پا گذاردن قوانین دینی و عرفی جامعه، تأمین منابع مالی سرشار از طریق جمع‌نذورات و صدقات و تبدیل شدن آن‌ها به یک قدرت اقتصادی که ضریب اثرگذاری آن‌ها به مراتب بالا رفته و در نهایت تحویل دادن هر ساله تعدادی بیمار روانی و تحمیل هزینه‌های درمان و از کارافتادگی آن‌ها به جامعه، اشاره نمود. (احمدی و شاه‌حسینی، ۱۳۹۴، ص ۴۰)

حال با گسترش معنویت‌های نوظهور و ادعای آن‌ها مبنی بر پاسخگویی به فطرت معنویت‌خواه انسان و حل مشکلات روحی و روانی که سبب جذب مخاطبان گردیده و با ارائه افکار و عقاید تحریف‌شده، زمینه انحراف آنان را فراهم نموده‌اند. این سؤالات مطرح است که آیا در معنویت‌های نوظهور بدیلی برای ایمان به وعده‌های الهی به‌عنوان مفهوم و رکنی اساسی در معنویت ناب و الاهیات عقلی وجود دارد که انسان متحیر و سرگشته

امروز با معرفت به آن به تحرک و پویایی فردی و اجتماعی بیندیشد و زمینه‌ساز جامعه‌ای عاری از انحرافات دینی گردد؟ آیا معنویت‌های نوظهور همه ارکان اساسی معنویت ناب و حقیقی را دارند؟ و یا در نقطه تقابل با معنویت ناب قرار می‌گیرند؟

رویکرد آسیب‌شناختی و تأمل در رخنه‌ها و نقصان‌های معرفتی و نگاه انتقادی به سیر تاریخی، لوازم و آثار فردی و اجتماعی جریان‌های معنویت‌گرایی نوظهور، در کنار رویکردهای تطبیقی، جریان‌شناختی، ابعاد حقوقی، روش‌های تبلیغی، بررسی میزان و علل گرایش جوانان به فرقه‌ها، نگاه‌های جامعه‌شناختی، و روان‌شناختی و حقوقی دستمایه مطالعات و پژوهش‌های متعددی در مراکز علمی و تحقیقاتی در کشور و خارج از کشور بوده که از میان آن‌ها می‌توان به کوشش‌های محمدتقی فعالی در کتاب ایمان و چالش‌های معاصر (قم مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱) و آفتاب و سایه‌ها (قم، انتشارات نجم الهدی، ۱۳۸۶) که مشتمل بر گردآوری و تحلیل مبانی فرقه‌های معنویت‌گراست و همچنین مجموعه مقالات مندرج در کتاب جستارهایی درباره عرفان‌های نوظهور و انحرافی (تهیه و تدوین دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۹۰) که حاصل کار گروهی در راستای بررسی آسیب‌شناسانه عقاید انحرافی می‌باشد و مقالاتی چون درآمدی بر بازشناسی مدعیان دروغین و عرفان‌های کاذب، آسیب‌شناسی معنویت‌گرایی نوظهور در ایران... را در خود جای داده، اشاره نمود. لکن آنچه نگارنده در این مقاله دنبال نموده و می‌توان به‌عنوان جنبه نوآورانه بدان توجه داد پرداختن به مبانی فکری و اخذ رویکرد کلامی مبتنی بر الهیات عقلی و جهان‌بینی توحیدی و کشف نقصان‌هایی است که در جنبه‌های اعتقادی و دلالت‌های کلامی سنت‌های فکری نوظهور معنویت‌گرا وجود دارد، و پیش‌ازاین کمتر مورد مذاقه‌های پژوهشگران گستره مطالعات دین‌شناختی قرار گرفته است. این مقاله بر آن است تا به روش کتابخانه‌ای جهت گردآوری مطالب مرتبط با موضوع و سپس تحلیل و ارزیابی آن‌ها به شیوه توصیفی-تحلیلی با طرح مباحث کلامی پیرامون ایمان به وعده‌های الهی و معنویت ناب و حقیقی در مقابل معنویات نوظهور، اثبات نماید که تشویش‌های روانی و اضطراب‌های وجودی معنویت‌های جدید ناشی از غفلت از این نکته مهم است که وعده و وعیدهای الهی نه تنها جایگاهی در میان تعالیم و آموزه‌های

معنویات نوظهور نداشته بلکه اصالت انسانیت و گرایش‌های انسانی اعم از حقیقت‌گرایی، خیرخواهی و زیبایی‌طلبی نیز نفی گردیده و تمام زندگی انسان در بعد مادی و حیوانی خلاصه می‌شود. به هر تقدیر، از رهگذر این اثر با آسیب‌ها و رخنه‌های معرفتی این عرفان‌ها بیشتر آشنا می‌شویم. لذا ابتدا به بررسی معناشناختی ایمان و تأثیرات آن در معنویت می‌پردازیم.

## ۱- مفهوم ایمان

ایمان مهم‌ترین عاملی است که مسیر سعادت یا شقاوت حیات بشری را تعیین و دارای حقیقتی پیچیده است که جهت شناخت آن باید به ابعاد لفظی، مفهومی و مصداقی آن توجه ویژه نمود. (فعال، همان، ۸)

ایمان از ماده «آمن» به معنای امنیت دادن است و شاید سختی این باشد که مؤمن در واقع موضوعات اعتقادی خود را از شک و تردید که آفت اعتقاد است امنیت بخشیده است. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۵۰) و در اصطلاح اذعان و تصدیق به چیزی و التزام به لوازم آن است. (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۲۱) حقیقت ایمان حالتی است قلبی و روانی که در اثر دانستن یک مفهوم و گرایش به آن (عمل قلبی اختیاری) حاصل می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۴۴۴ و ۴۴۵) شیعه به پیروی از ائمه اطهار ایمان را تلفیقی از سه موضوع می‌داند: اقرار زبانی، عمل ارکانی و اعتقاد قلبی و بدون این‌ها ایمان حقیقی حاصل نخواهد گشت؛ آن‌چنان‌که پیامبر خدا فرموده: «الایمان معرفة بالقلب و قول باللسان و عمل بالأركان» (محمدی ری شهری، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۰۱ و نهج البلاغه، حکمت ۲۲۷)

ساختار معنایی ایمان بر اساس گزاره‌های حاصل از آیات قرآن، شامل موارد زیر است:

ایمان مبتنی بر معرفت، امری اکتسابی و اختیاری، دارای مؤلفه‌ی عاطفی، مقتضی عمل، فراتر از اسلام آوردن شخص، قابل زیادت و نقصان و دارای متعلقات است. (آذربایجانی، ۱۳۸۵، فصل‌نامه انجمن معارف اسلامی ایران)

با توجه به کاربرد واژه‌ی ایمان در قرآن کریم، برخی از آیات ضرورت ایمان و نقش آن را در اعطاء پاداش حیات دنیوی و اخروی به یاد آورده است. (نساء، ۱۷۳)، دسته‌ای

دیگر، ویژگی‌های مؤمنان را بازگو کرده است. (انفال، ۲) و برخی آیات، ضمن برشمردن متعلقات ایمان به آثار روی گردانی از آن‌ها اشاره کرده است. (نساء، ۱۳۶) (مقدس و کارخانه، فصلنامه مطالعات قرآنی، ۱۳۹۹، ص ۲۹۴) در خصوص متعلقات ایمان، قرآن با تعبیرات بسیار کوبنده‌ای اصرار دارد که مؤمن باید به تمام آنچه خداوند نازل کرده است، ایمان داشته باشد. (بقره، ۸۵؛ نساء، ۱۵۰) (مصباح یزدی، سخنرانی ۱۳۹۶/۱۲/۹) متعلقات ایمان شامل وجود خداوند، عالم غیب، جهان آخرت، وحی، کتب الهی و آنچه در آن است، پیامبران، فرشتگان و آیات الهی است. از آنجا که بسیاری از وعده‌های الهی در عالمی فراتر از این عالم تحقق یافته و دنیا گنجایش تحقق آن‌ها را ندارد؛ بنابراین ایمان به غیب و جهان آخرت که از متعلقات ایمان است؛ سبب امید، آرامش، اطمینان، امیدواری، ایجاد انگیزه، تحرک و فعالیت، رشد و بالندگی و هدفمندی و دوری از یأس و ناامنی در زندگی می‌شود. (ایز تسو، همان، ص ۱۵)

## ۲- ماهیت وعده‌های الهی<sup>۱</sup>

خداوند به انسان‌ها وعده‌هایی داده که برخی جنبه تربیتی و برخی نیز جنبه ابتلا و آزمایش دارند. از ویژگی‌های بارز وعده‌های الهی تخلف‌ناپذیری آن‌هاست. (وَلَنْ يُخْلَفَ اللَّهُ وَعْدَهُ) (حج، ۴۷) آیاتی نیز بر حتمی بودن وقوع وعده‌های الهی تأکید دارند (إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَوَاقِعَ) (مرسلات، ۷) و این همان رفتاری است که خداوند بر ما اعمال خواهد نمود اما این فعل اکنون برای ما غایب و جنبه آینده دارد اما برای ذات خدا نه غایب است و نه جنبه آینده دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۱۰) همچنین وعده‌های خداوند حق است. (أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ) (یونس، ۵۵)

وعده‌های الهی در هر موضوعی قطعاً تحقق یافته گرچه برخی در این دنیا نشان داده شوند و برخی تحقق عینی آن‌ها بر اساس مصلحت به جهان دیگر محول گردد. از جمله این وعده‌ها می‌توان به وعده مغفرت و اجر عظیم<sup>۲</sup>، وعده معاد و رستخیز<sup>۳</sup>، وعده بهشت و نعمت‌های بهشتی<sup>۴</sup>، وعده جهنم و عذاب‌های جاودانه<sup>۵</sup> و وعده خلافت در زمین<sup>۶</sup> اشاره نمود.

### ۳- تأثیرات ایمان در معنویت

#### ۳-۱- آرامش روحی

آرامش گوهری بی‌ظنیر و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان (طباطبائی، ۱۳۸۳، ص ۴۸۳) و (یونگ، ۱۲۸۶ ترجمه فؤاد روحانی، ص ۱۱) به‌قدری اهمیت دارد که حتی ایمان و باورهای دینی را می‌توان در راستای دستیابی به این هدف برشمرد.<sup>۷</sup> به اعتقاد امام علی علیه‌السلام: در زاد و توشه دنیا جز تقوا خیری نیست، کسی که به‌قدر کفایت از آن بردارد در آرامش به سر برده و آنکه در پی به دست آوردن متاع بیشتری از دنیا باشد وسایل نابودی خود را فراهم کرده است. (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۱۱)

گذرا بودن آرامش‌های دنیوی و ایمان به وعده‌های الهی مخصوصاً اینکه بسیاری از آن وعده‌ها در عالمی فراتر از این عالم تحقق یافته و دنیا گنجایش تحقق آن‌ها را ندارد و رؤیت تحقق، تنها با اِلِه راجعون ممکن است، آرامش روحی و روانی بر انسان عارض خواهد گشت. با توجه به آیات قرآن عالم آخرت، منزلگاه ثبات و آرامش (غافر، ۳۹)، محل زندگی واقعی و حقیقی (عنکبوت، ۶۴)، عالم دریافت پاداش (کهف، ۳۰، زلزله، آیات ۷ و ۸ و...) است. معنویت‌های نوظهور با انکار رستاخیز و جهان دیگر و با مطرح کردن اصل تناسخ عملاً سبب باعث بروز بزهکاری‌های فردی و اجتماعی و برخی از بیماری‌های روانی و جنسی و خودکشی‌های فردی و گروهی می‌شوند. (سنگین، ۱۳۹۴) در معنویت‌های نوظهور به‌جای "معاد" مفهومی به نام "تناسخ" وارد گردیده که البته بر بطلان آن توسط دانشمندان علم کلام و فلاسفه دلایلی اقامه شده است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۹، ج ۹، ص ۱۲). پرواضح است اگر زندگی آخرت با نعمت‌ها و لذت‌های آن بر انسان‌های غافل جوامع مدرن عرضه گردد با تمام توان پذیرفته چراکه این حیات اخروی هم پشتوانه منطقی، عقلی و کلامی دارد و هم بشر فطرتاً خواهان آن بوده و به‌جای معضل رفع اضطراب و استرس به پیوند با حقیقت و رشد معنوی اندیشه خواهد نمود.

#### ۳-۲- امیدواری

امید یک حالت روحی و روانی است که تلاش و فعالیت انسان را به همراه داشته و در قرآن و روایات بر امید به رحمت خداوند و سرانجام نیکو از جهات گوناگون تأکید

شده است: «... اولئک یرجونَ رَحْمَةَ اللَّهِ...» (بقره، ۲۱۸) همچنین «چشم داشتن به رحمت پروردگار، مایه امیدواری و دوری از یاس است» (یوسف، ۸۷)

انسان باایمان معتقد است که خداوند سرچشمه هستی و منبع تمام نعمت‌ها است لذا در دعا آمده «یا مَنْ أَرْجُوهُ لِکُلِّ خَيْرٍ...» (مفاتیح‌الجنان، دعای ماه رجب). ناامیدی از رحمت خداوند در مرام انسان مؤمن جایی ندارد. امام صادق می‌فرماید: هنگامی که رحمت حق تعالی در قیامت گسترده گردد به صورتی است که ابلیس در رحمت رحیمه حق به طمع خواهد افتاد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۲۸۷)

ایمان اصلی‌ترین عامل دست‌یابی به امیدواری است... برای از بین بردن ناامیدی، پرداختن به این عامل راحت‌تر و پایه‌ای‌تر است. امیدواری عاملی برای حرکت و تلاش انسان، بازگشت به سوی خدا، دستیابی به معنای زندگی، شکرگزاری، هموارشدن سختی‌ها، تکلیف‌مداری و کسب موفقیت، تأثیرناپذیری از بیم‌های زیان‌بخش و مانع بحران‌های روحی و افسردگی است. (احمری و غلامحسین نژاد، ۱۳۹۴، فصل‌نامه علمی بصیرت و تربیت اسلامی)

نکته محسوس و مشهود معنویت‌های نوظهور کافی بودن پاسخ به نیازهای مادی و حیوانی و غفلت از نیازهای معنوی و متعالی بوده و نتیجه آن ایجاد حس یأس و ناامیدی و پوچی در انسان‌ها و صدمات روحی و روانی فراوان در جوامع مدرن و سرمایه‌داری است که با تعالیم و آموزه‌های کاذب و ساختگی درصدد جبران آن برآمده‌اند.

### ۳-۳- رشد و بالندگی معنوی

ایمان به وعده‌های الهی باعث هرچه بیشتر نزدیک شدن انسان به خداوند است تا جایی که ذره‌ای از وجودش به غیر تعلق نداشته و همه شئون حیات خویش را آئینه تمام‌نمای ظهور و حضور خداوند دانسته و بزرگ‌ترین سرمایه رشد خویش یعنی عمر را برای خدایی شدن مورد توجه قرار می‌دهد. مؤمن تشنه معنویت و روح او به‌عنوان شعاعی از روح خداوند<sup>۱</sup> تا به وصال حق نرسد آرام و قرار نمی‌یابد.

برخلاف بسیاری از مکاتب مادی که رسیدن به آرامش را در گرو رسیدن به ثروت بیشتر و مقام بالاتر و... می‌دانند، اما وجود اضطراب فراوان و بیماری‌های روانی در افرادی

که به این ثروت‌ها و زیبایی‌هایی ظاهری رسیده‌اند، نشان‌گر بی‌اساس بودن نظرات مادی‌گراهاست؛ بنابراین راه‌حل درست برای داشتن آرامش واقعی همان رشد معنوی است. رشد معنوی با بی‌اهمیت شمردن مسائل دنیایی (که بخش اعظم اضطراب افراد به سبب توجه به این امور کم‌اهمیت دنیاست که افراد اهمیت زیادی به آن‌ها داده‌اند) و تعیین هدف درست برای انسان (خداپرستی) عامل مهمی در ایجاد آرامش آدمی است، بدیهی است وقتی آرامش واقعی به دست آید، زندگی دنیا سهل می‌شود. رشد معنوی کارکرد دیگر نیز دارد که در زمینه امور اخروی است. از آنجایی که بالاترین نعمت آخرت رسیدن به قرب الهی و در واقع هدف خلقت انسان رسیدن او به قرب الهی است، رسیدن به این مقام با رشد معنوی محقق می‌شود. رشد معنوی سعادت هر دو دنیای فرد را تأمین می‌کند و این‌گونه نیست که تنها برای سعادت اخروی باشد، ولی سعادت دنیا را تأمین نکند؛ رشد معنوی با تغییر نگرش‌های فرد، سعادت دنیای او را نیز تأمین می‌کند و او را از افکار نادرستی که سبب اندوه و اضطراب‌های دنیایی او می‌شود، نجات می‌دهد. (شیخ قمی، ۱۳۹۶، فصل‌نامه مطالعات معنوی)

#### ۴- معنویت‌های نوظهور

با سیطره کمیت در دنیای جدید (گنون، ۱۹۲۷ ص ۷) بشر درمان ناکامی‌ها و جبران شکست‌های خود را در میراث کهن بشری از جمله معنویات می‌جوید. شکست علم، تکنولوژی، اصالت عقل دنیا اندیش، طبیعت‌گرایی افراطی و نفی ماورا زمینه‌ساز رویش و پیدایش فرقه‌های نوظهور معنویت‌گرا بوده است.

از طرفی دهه‌های آخر قرن بیستم بحران‌های روانی و اجتماعی به‌طور گسترده‌ای دامن‌گیر بشر شد. در این شرایط راهی جز بازگشت به معنویت و یاد خداوند وجود نداشت. معنویات می‌توانستند فرصتی به بشر دهند که از مشکلات و تعارضاتی که زندگی امروزی برایشان به بار آورده بود، فاصله بگیرند و فارغ شوند و به درون خود پناه ببرند و جهانی دیگر را تجربه کنند. فشار روانی زندگی مدرن و نیاز به فاصله گرفتن از آن عاملی برای روی‌آوری انسان معاصر به معنویات و جستجوی بینشی دیگر نسبت به خود، زندگی و هستی بود. که سرانجام به شکل‌گیری فرقه‌های رنگارنگ و گوناگون معنویت‌گرا منجر



شد. (مظاهری سیف، همان، ص ۱۷)

تشخیص این مکاتب در نیاز انسان به پیمودن راه حقیقت قابل انکار نیست اما در مسیر پاسخ به این نیاز ایجاد انحراف نموده؛ چراکه اولاً درک و شناخت کامل و جامعی از این خواسته فطری ندارند و ثانیاً پاسخ آن‌ها پوشالی و مسخ شده (همان، ص ۱۸) و ثالثاً این پاسخ، انسان ناآرام و سرگردان را با مشکلات عمیقی روبرو نموده است.

به دلیل پیچیدگی و مبهم بودن این جریان‌ها نام‌گذاری آن‌ها با مشکلاتی روبه‌رو شده است اما مؤلفه‌های اساسی و غالبی این جریان‌ات که با مبانی اومانیستی، سکولاریستی و سرمایه‌داری آن ربط دارد، مطالعات در این حوزه را به نتایجی رسانده و اسامی‌ای چون «جنبش‌های دینی نوین»، «ادیان سکولار»، «نحله‌های عرفانی» و «معنویت‌های نوظهور» بر سر زبان‌ها رفته است.<sup>۹</sup>

برخی متفکران این‌گونه معنویت‌ها را کاذب و غیرحقیقی نامیده و بر این باورند که در تمدن غربی هیچ‌گونه سنت معنوی اصیلی وجود ندارد تا انسان‌ها بر آن تکیه نموده، بنابراین به سمت سنتی ساختگی و کاذب سوق داده شده که هرگز وجود خارجی نداشته بلکه اغتشاش و هرج و مرج به بار می‌آورند. (گنون، همان، ص ۳۱)

تعدد و گستردگی این جریان‌ها به گونه‌ای است که برخی پژوهشگران بیان نموده‌اند که در ظرف چهل سال نزدیک به چهار هزار مکتب و فرقه‌های معنوی در غرب شکل گرفته است. (مظاهری سیف، همان، ص ۲۱) این تعدد سبب دسته‌بندی و گونه‌شناسی آن‌ها در هفت دسته معنویت‌های روان‌شناسانه، معنویت‌های جادومدار، معنویت‌های ورزشی، معنویت‌های هنری، معنویت‌های رویامحور، معنویت‌های جنسی و معنویت‌های درمان‌گرا توسط برخی اندیشمندان گردیده است. (شریفی دوست، ۱۳۹۲، ص ۳۲)

#### ۴-۱- شاخصه‌های معنویت‌های نوظهور

اگرچه تعیین شاخصه‌های فراگیر و عمومی با توجه به تعدد و تنوع این جریان‌ها امکان‌پذیر نیست، اما می‌توان به مواردی که در میان آن‌ها مشترک و یا عمومیت نسبی دارد اشاره نمود. لازم به ذکر است در معرفی شاخصه‌ها، مقایسه‌ای هم با وعده‌های الهی و معنویت اسلامی صورت گرفته است.

#### ۴-۱-۱- مبلغان متلاطم و بحران زده

یکی از شاخصه‌های اصلی معنویت‌ای نوظهور وجود رهبران و مبلغانی است که در زندگی خود ایام بحرانی را پشت سر گذاشته و دچار شکست‌ها و ناکامی‌هایی گردیده‌اند. (فورد، ۱۳۸۱، ص ۱۹، ۲۸، ۴۶ و ۶۴، توله، ۱۳۸۹، ص ۹، دایر، ۱۳۸۴، ص ۳۹، هی، ۱۳۸۰، ص ۲۳)

از مقایسه میان مبلغان معنویت‌های نوظهور با مبلغان الهی و اسوه‌های حسنه‌ی معرفی شده از طرف خداوند با ویژگی‌هایی چون صداقت (... کونوا مع الصادقین...) (توبه، ۱۱۹) و اهلیت و شایستگی (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...) (احزاب، ۲۱) می‌توان به دو نکته اشاره نمود: اولاً مبلغان معنویت‌های نوظهور با وجودی که انسان‌هایی ورشکسته و بحران دیده‌اند با چه معیاری خواهان رساندن انسان‌ها به حقیقت گم شده و رهایی آن‌ها از دغدغه‌های روزمره و اضطراب‌های زندگی بوده و چگونه صداقت آن‌ها قابل اثبات است؟! درحالی که با بیان تجربیات درونی خود در واقع دعوت به خود نموده اما رهبران الهی با دعوت به خداوند و باور به وعده‌هایی که مکرر بر زبان آن‌ها جاری گشته به دنبال ایجاد انگیزه برای قرار گرفتن انسان‌ها در مسیر عبودیت و بهره‌مندی از وعده‌های حق او بوده‌اند.<sup>۱۰</sup> ثانیاً مبلغان معنویت‌های نوظهور زمانی در ادعای خدمت به خلق صادق هستند که این خدمت را بهانه برای رسیدن به منافع مادی و کسب شهرت و قدرت نمایند؛ حال آنکه در بررسی پیرامون این گونه معنویت‌ها و علل شکل‌گیری آن‌ها، کسب منافع مادی و استعماری مستکبران عالم و فرمان‌برداری از آن‌ها و غارت سرمایه‌های مادی، معنوی، فرهنگی و فکری موج می‌زند.

بنابراین آنچه در این گونه معنویت‌ها به چشم نمی‌خورد باور و اعتقادی است که جهت تحول در مسیر زندگی باید آن را در وعده‌های الهی به انسان‌ها جستجو نمود که زیباترین آن در وعده ظهور منجی و ایجاد مکتبی معنوی که پاسخگویی به تمام گرایش‌های فطری بوده و پایانی بر آلام روحی و روانی بشریت است، نمود یافته است.<sup>۱۱</sup>

## ۲-۱-۴- رویکرد یک‌سویه

از ویژگی‌های اصلی معنویت‌های نوظهور عدم توجه به بعد معنوی (روحی) انسان است و در شناخت انسان بر روش‌ها و داده‌های تجربی اکتفا شده و از پرداختن به زوایای پنهان وجود او غفلت نموده‌اند و در واقع هدف نهایی اکثریت آن‌ها آرامش در زندگی دنیوی است. به‌عنوان مثال دالایی لاما بزرگ‌ترین آرزوی زندگی را غذای خوب و خواب راحت معرفی می‌نماید (دالایی لاما، ۱۳۸۴، ص ۱۵۵) و یا وین دایر از صلح دم می‌زند اما عدالت و وظیفه اجتماعی انسان‌ها را نادیده گرفته و مخالفت با جنگ و ترور را ضد معنویت می‌خواند (دایر، ۱۳۸۴، ص ۲۲۸) لذا بسیاری از ارزش‌های اخلاقی و الهی برای رسیدن به آرامش ذبح گشته و گاهی گناه کردن یک ارزش تلقی می‌گردد.

گرچه گاهی شعارهای آنان جذاب جلوه می‌نماید اما با کمی تأمل روشن می‌شود که پیمودن مسیر معرفت و احیاء ظرفیت‌های وجودی انسان در این نوع معنویت‌ها محلی از اعراب نداشته و سیراب نمودن فطرت خداجوی بشر مدنظر نبوده بلکه مأموریت این جریان‌ها تنها تسکین دادن به روان انسان‌های خسته از زندگی ماشینی و سازگار نمودن آن‌ها با فرهنگ و تمدن غربی بوده و هیچ‌نگاهی به رشد و کمال معنوی و آرامش انسان‌ها نداشته‌اند؛ درحالی‌که منبع آرامش بشر می‌تواند در ایمان و تذکر به وعده‌های الهی نهفته باشد.<sup>۱۲</sup>

## ۳-۱-۴- مدّعیات متناقض

از شاخصه‌های دیگر معنویت‌های نوظهور از یک‌سو مورد انتقاد و هجمه قرار دادن مناسک و اعمال عبادی رایج در ادیان الهی و آموزش دادن مناسکی ویژه با آدابی خاص به پیروان خود از سویی دیگر می‌باشد. (کلمپ، ۱۳۷۹، ص ۴۷ و ۴۸، شریفی دوست، ۱۳۹۲، ص ۳۳)

در بسیاری از معنویت‌های نوظهور انکار بهشت و جهنم صورت گرفته اما نوع خاصی از بهشت و جهنم و نظام محاسبه اعمال تبلیغ گردیده که البته برای قشر خاصی از افراد جذاب و قابل قبول است. (هینلتز، ۱۳۸۶، ص ۴۴۸) از همه مهم‌تر اینکه اگرچه ادیان الهی همه بر حیات اخروی و معاد تأکید نموده‌اند اما در این معنویت‌ها به‌جای معاد مفهومی به

نام "تناسخ" وارد گردیده که البته توسط دانشمندان علم کلام و فلسفه دلایل فراوانی بر بطلان آن اقامه گشته است. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۱۲)

بسیار واضح است که زندگی اخروی با وعده‌های نعمت و لذات آن به دلیل گرایش فطری انسان‌ها بر آن و داشتن پشتوانه عقلی، منطقی و کلامی، اگر بر بشریت جامعه مدرن عرضه گردد مورد پذیرش واقع شده و به جای معضل رفع اضطراب در پیوند با حقیقت اندیشه خواهد نمود. لذا معنویت هیچ‌گاه از باور به وعده‌های الهی و به دنبال آن انجام اعمال برگرفته از شریعت آسمانی منفک نبوده چرا که دین‌داری و گرایش به دین امری فطری<sup>۱۳</sup> و همواره آمیخته با تاریخ بشر بوده است. (ویل دورانت، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۷۸)

#### ۴-۱-۴- تحریف مفاهیم معنوی

مفاهیمی متعالی در متون دینی، در معنویت‌های نوظهور تحریف و کاملاً با انگاره اومانستی معنا گردیده است. تحریف این مفاهیم از دو روش پیگیری گشته که شیوه‌ی اول معرفی مدل‌های جدید (مانند جادو، بزرگ‌نمایی قوای شیطانی، رازگونه زیستن، بی‌توجهی به عبادت و عدم استمداد از خداوند) ارتباط با عالم غیب و مثبت و مقدس جلوه دادن آن‌هاست؛ (شریفی دوست، ۱۳۹۲، ص ۴۰) و شیوه دوم تفسیرهای جدید از مفاهیم معنوی چون دعا که نه به معنای ارتباط با خدا بلکه ارتباط با نیروی درونی بوده و خواسته‌های خود را نه از خدا بلکه از قوه ذهنی و با نخوت و تکبر در قالب دستوری طلبدیده که البته این‌گونه دعا نتیجه‌ای جز تکیه زدن بر جایگاه خداوندی و همه موجودات را به خدمت هوس‌های خود طلبدیدن نداشته است. (همان، ص ۴۱) و (پاندر، ۲۰۰۵، ترجمه مینو اعظامی، ص ۲۴)

حال آنکه در نگرش وحیانی و دینی، مأموریت انسان تلاش برای رسیدن به سعادت ابدی با به‌کارگیری اختیار و اراده خویش است و جهت تسریع در پیمودن این مسیر دعا و استمداد از خداوند معنا می‌یابد (طباطبائی، همان، جلد ۲، ص ۴۵)؛ اما در بینش انسان‌محوری معنویت‌های نوظهور و درک لذات و راحتی جسمانی، جایی برای مدد از خداوند و کسب فضایل اخلاقی باقی نمی‌ماند و این در حالی است که وعده‌های الهی و وصول به آن‌ها با تکالیف و البته گاهی محرومیت از لذت‌های جسمانی و مادی همراه بوده و درک لذات معنوی آن در ظرفیت عالم ماده نخواهد بود.<sup>۱۴</sup>

### ۵-۱-۴- عدم عقلانیت

عقلانیت<sup>۱۵</sup> با این مفهوم که در شناخت امور مختلف یعنی همان امور محدود به عالم حس و تجربه باید از عقل استفاده نمود و این مبنا که وحی و متافیزیک در زندگی بشر کارایی نداشته و انسان در سامان دادن زندگی خویش نیازی به آموزه‌های وحیانی و فلسفی ندارد (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۱) از ویژگی‌های اساسی معنویت‌های نوظهور است؛ با این حال شواهد فراوان بر عدم عقلانیت و حتی عقل ستیزی در آن‌ها وجود دارد. به عنوان مثال در معنویت ساحری کاستاندا انسان زمانی به حقیقت هستی راه پیدا می‌کند که ذهن خود را تعطیل و تمام تصورات ذهنی را نادیده بگیرد (فعال، ۱۳۸۹، ص ۲۱) و یا اکهارت توله که از مدافعان سرسخت عقل ستیزی است برای رهایی از مشکلات زندگی ماشینی دوری از عقلانیت و توجه به امور باطنی را توصیه می‌کند. (توله، ۱۳۸۸، ص ۵۴، پاکالدی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۸)

گاهی عقل به تنهایی و مستقل از دل توان دسترسی به برخی معارف توحیدی را نداشته و به واسطه قوه شهود و درک حضوری حقایقی را کشف می‌نماید. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۱۴۲) بنابراین قوه اندیشه در کنار دل جایگاهی بس والا در حیات معنوی انسان داشته و آنجا که هواهای نفسانی در مسیر سلوک ایجاد مانع می‌نماید تمسک به قوه عاقله برای وصول به حقیقت و معارف توحیدی و زنده نمودن ظرفیت‌های الهی انسان نقش حیاتی دارد.

ذکر این نکته لازم است که در مبحث وعده‌های الهی به دلیل خارج بودن برخی از آن‌ها از حوزه حس و تجربه، شناخت‌های عقل کلی و عام بوده و در معرفت به این وعده و وعیدها، عقل بدون استمداد از اعتقاد و دل‌سپردگی به آن‌ها راهی ندارد؛ لذا قرآن کریم برای تائید حقانیت وعده‌های الهی و ادعاهای انبیاء دعوت به تعقل و روش‌های غیرمنطقی و گاهی رفتن در مسیر گذشتگان را نفی و مذمت نموده و غیرعقلانی خوانده است. «إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (بقره، ۱۷۰)

## ۶-۱-۴- سرمایه‌داری

یکی از شاخصه‌های مهم معنویت‌های نوظهور توجه جدی به مسائل اقتصادی و عمل نمودن در راستای منافع سرمایه‌داری جهان غرب است. از نگاه آن‌ها دین، غایت حیات را تعیین نکرده و ارزش‌های اخلاقی را تزریق نمی‌نماید بلکه همه نیروهای معنوی در خدمت اهداف اقتصادی می‌باشد. (ویلسون، ۱۳۸۰، ص ۲۵) به‌زعم آن‌ها انسان کامل، سرمایه‌دارترین انسان است و زمانی که با آرامش و نشاط به موفقیت‌های اقتصادی دست یابد در تعالی معنوی است. اسکاول شین، راه فرار از فقر را اتصال به خزانه غیب و سرازیر نمودن رفاه و سرمایه به سمت خود با عباراتی چون: من دادوستدی دارم عالی، به شیوه‌ای عالی، با خدمتی عالی، برای پاداشی عالی دانسته است (شین، ۱۳۸۶، ص ۹۷) و در آخر چنین نتیجه گرفته که: آنگاه که انسان تصویر تنگ‌دستی را از صفحه هوشیاری خود بزاید فرمانروای «عصر طلایی» خواهد بود و آرزوهای دلش برآورده می‌گردد. (همان، ص ۳۷) اما در نقطه‌ی مقابل این باورها در متون دینی و معنوی اسلام کمبودها و بلاها لازمه حکمت خداوند بوده و از باب قاعده‌ی لطف زمینه‌ی بازگشت بندگان را به سوی خویش فراهم نموده است تا آن‌جا که به بیان امام صادق علیه‌السلام: اگر محبت و رحمت الهی به فردی یا قومی تعلق بگیرد باران بلا را بر ایشان می‌باراند به طوری که به محض خروج از یک اندوه به اندوه دیگر فرو رود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۱۴۸)

از طرفی حکمت نزول بلاهای الهی به کار انداختن قوه‌ی اندیشه‌ی انسان و عبرت گرفتن از سختی‌ها و بلاها و سوق دادن مسیر خود به سمت خداوند بوده است. «... وَ بَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (أعراف، ۱۶۸) و صلوات و رحمت و هدایت الهی پاداش استقامت بر این بلاها دانسته شده و این همان وعده‌های الهی است که باور به آن التیامی برای آلام بشر بوده است.<sup>۱۶</sup>

## ۷-۱-۴- احساس گرائی

یکی دیگر از ویژگی‌های معنویت‌های نوظهور علاقه‌مندی به شور و هیجان موجود در عرفان است که تلاش در استفاده از آن را داشته اما از جنبه‌های عملی و تربیتی آن - که در واقع سخت و دشوار و به تبع کنترل نفس است - دوری نموده‌اند؛ لذا الگوی تازه‌ای در

مقابل تعالیم عرفانی<sup>۱۷</sup> ارائه داده که در آن تقدس و تصور معنوی از احساس خوب فرد درباره همین زندگی، جانشین احساس زیبایی و شکوهمندی ادراک یگانگی هستی می‌گردد. (مظاهری سیف، ۱۳۹۰، ص ۱۸۵) بنابراین هر شخص قادر است الگوی موردعلاقه خود را از میان آموزه‌های معنوی گوناگون ساخته و کسانی که این توانایی را ندارند از میان الگوهای ساخته شده متنوع و متکثر انتخاب می‌نمایند و در نتیجه تعالیم دین به بعدی از زندگی خصوصی افراد مبدل شده و به گزینش فردی از میان انواع گزینش‌ها پیوند می‌یابد. (همیلتون، ۱۳۷۷، ص ۳۱۱)

هنر این معنویت‌ها به خصوص در غرب این است که زندگی مادی و مملو از لذت را با نشان عرفان عرضه نموده و انسان محوری را با شهود پیوند می‌زنند و مسلم است با چنین برداشتی جایی برای عمل به فرامین دینی و حقایق توحیدی باقی نمی‌ماند. (فعالی، ۱۸۶، ص ۱۷)

### ۵- ایمان به وعده‌های الهی رکن مغفول در معنویت‌های نوظهور

باور و اعتقاد قلبی به وعده‌های خداوند ارزشی اخلاقی است که از دین‌داری هر انسانی می‌جوشد. سبک حیات برخاسته از آموزه‌های دین و عبودیت بی‌چون و چرای خداوند ارتباطی میان انسان و عالم معنا برقرار می‌نماید که فرایند آن دستیابی به معرفتی است که همواره در محضر خدا بودن و امید به سعادت و رستگاری در آن موج می‌زند و معرفت، انگیزه‌ی تلاش و حرکت مستمر در رسیدن به سعادت را به دنبال دارد. (مظاهری سیف، همان، ص ۱۷)

معنویت حقیقی مبتنی بر این امر که عالم هستی دارای مراتب غیب و شهود است و مرتبه غیب که همان عالم معناست و حیات این جهان مقدمه دستیابی به آن است، ارتباط تنگاتنگ با ایمان و الزامات شرعی داشته و در پرتو چنین نگاهی ایمان به حق تعالی و امور غیبی که وعده‌های الهی - اعم از پاداش و روزی‌های معنوی - نمونه‌هایی از آن‌ها هستند ضرورتی انکارناپذیر است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳)

با نظر به آیات الهی و وعده‌های وارده در آن‌ها دو ویژگی خاص زیبایی و عقلانیت جلوه می‌نماید که البته در نگاه ابتدایی ممکن است ایجاد شک و تردید نموده که آیا چنین

وعده‌هایی حقیقت دارند تا سبب حصول باور به آن‌ها گردد یا خیر؟ در جواب به این سؤال تحصیل علم و استقرار باور و تلاش خود بر پایه علم و یقین لازمی آن است.<sup>۱۸</sup>

لذا علم به دو صورت ایفای نقش می‌نماید، اولاً حقیقت را روشن نموده و وعده‌های حق و باطل را می‌شناساند و ثانیاً به شکوفایی امیال فطری، یافتن مصداق و تأثیر عملی آن‌ها کمک می‌نماید لذا انگیزه ایمان به وعده‌های الهی یا علم و معرفت است یا کسب کمال که هر دو منشأ ارزش خواهند گشت و مسیر یافتن علم از تفکر در حقیقت خداوند متعال و صفات او و نبوت و معاد می‌گذرد؛ البته لازم است این تفکر در فضایی آرام و به دور از قیل و قال‌های مکاتب انحرافی مدعی معنویت انجام بگیرد؛ چراکه معنویت‌های نوظهور در کشاندن مخاطبین خود به این سو و آن سو و گمراه نمودن آن‌ها تبحر کافی داشته‌اند؛ بنابراین تفکر صحیح کلید علم و علم مقدمه ایمان به خداوند و وعده‌های اوست که در انسان ایجاد تحرک و کشش نموده و چنانچه این باور در انسان تقویت نگردد تمام توجه انسان بر مادیات و لذات دنیوی متمرکز گردیده که همان غایت معنویت‌های نوظهور است که اسباب مسخ ماهیت انسانی و غفلت از سرنوشت نهایی و خداوند و قیامت گردیده‌اند؛ از این رو قرآن کریم به تفکر صحیح هشدار می‌دهد<sup>۱۹</sup>؛ همان تفکری که انسان را از حیوانیت رهانیده و در مسیر صحیح انسانیت قرار می‌دهد که در واقع غایت معنویت حقیقی و گرایش به آن، ارجحیت بر معنویت‌های ساختگی کاذب را گوشزد می‌نماید. نکته‌ی مهمی که لازم است ذکر شود آن است که معنویت‌های نوظهور به دلیل نگاه تک‌بعدی مادی گرایانه به انسان و عدم اعتقاد به معاد، پیروان خود را از امید به داشتن نعمت‌های فراوان اخروی محروم می‌کنند و هرگونه لذت و نعمت را در همین دنیا خلاصه می‌کنند.



## نتیجه‌گیری

با هر انگاره‌ای در مورد ایمان سخن بگوییم خواه آن را از فضیلت‌های اخلاقی به شما بیاوریم یا از ضرورت‌های اعتقادی به معنای باور در نظر بگیریم این مفهوم از دل مشغولی‌های متکلمان و عارفان در ادیان توحیدی است؛ توجه به معنویت علی‌رغم رشد فزاینده علم و تکنولوژی و کوشش دنیای مدرن برای کاهش و یا حذف مسائل معنوی قابل انکار نیست؛ امروزه بشر بیش از پیش به سمت مباحث متافیزیک و ماوراء طبیعی سوق پیدا نموده تا بتواند هر چه بیشتر از روزمرگی و مشغله‌های دنیای مدرن به دور باشد. غفلت از جایگاه ایمان که از بحث‌برانگیزترین مفاهیم در اندیشه‌های کلامی است از مهمترین کاستی‌های معنویت‌های نوپدید است؛ ایمان در معنویت‌های شریعت‌گرا، عاملی نجات‌آور، آرامش‌ساز و یأس‌زدا و مؤلفه‌ای مؤثر برای نجات انسان‌ها از مصائب زندگی و آسیب‌های روحی و روانی وحی است، تعالیم معنویت‌های نوظهور به علت استواری‌شان بر مبانی فکری مدرنیته نظیر عقل و شریعت‌گریزی، انسان‌محوری به‌رغم آنچه می‌نمایانند فاقد نقش امید‌افزایی و اطمینان‌بخشی به پیروان خود می‌باشند. و این در حالی است که ایمان به معنای امید در مقابل یأس از مقوم‌های معنویت‌های مبتنی بر وحی و شریعت می‌باشد. معنویت‌های نوظهور نه تنها انسان‌ها را به فضایل اخلاقی دعوت نمی‌کنند بلکه در عمل خواهش‌های نفسانی را فعلیت بخشیده و بر ساحت‌های متعالی روحی فرمانروا می‌گردانند و در واقع اموری را مطلوب نشان داده که جز لذت‌های دنیوی را در بر نداشته باشد. و این در حالی است که لذت‌های دنیوی و خواهش‌های نفسانی اگر در وجود آدمی شعله‌ور گردند موجب تعطیلی قوه‌ی عاقله انسان خواهند گشت لذا انسانیت انسان به‌هیچ وجه اصالت ندارد و حیوانیت او اصل و مقصد او در این جهان نه مقصدی الهی، بلکه تجربه لذت و کسب کامروایی بیشتر در دنیاست. اگرچه محور اصلی اکثریت این معنویت‌ها شادمانه زیستن است اما از این نکته غفلت نموده‌اند که آرامش و شادی محض هرگز در این دنیا برای انسانی تحقق نیافته و اصلاً دنیا به جهت ماهیت و ساختار خاص خویش محلی برای شادی کامل نیست و اگر هم شادی و نشاطی نسبی برای انسان حاصل گردد فقط در پرتو داشتن تکیه‌گاهی محکم و اعتناء به موجودی که قادر مطلق

است وجود دارد و همو بشارت حصول شادی و آرامش محض را در وعده‌هایی صادق و حقیقی به شرط تحصیل مقدمات و لوازم تحقق آن از جانب انسان‌ها، در عالمی فراتر از زمان و مکان و با دارا بودن ظرفیت مناسب بر انسان‌ها انشاء نموده است.

معنویت‌های نوظهور به وعده‌های الهی در خصوص مغفرت و اجر عظیم، وعده معاد و رستخیر، وعده بهشت و نعمت‌های بهشتی، وعده جهنم و عذاب‌های جاودانه و وعده خلافت در زمین بی‌اعتنا هستند و آن‌ها را رد می‌کنند؛ بنابراین یکی از پادزهرهای بی‌نظیر برای ممانعت از ابتلا انسان‌ها به ویروس فلج‌کننده معنویت‌های نوظهور ایمان به وعده‌های الهی و امید به آینده‌ی روشن است که زمینه‌ساز جامعه‌ای آرمانی و عاری از انحرافات دینی در جهت تحقق بزرگ‌ترین وعده خداوند برای صالحان و مؤمنان خواهد بود.

## یادداشت‌ها

۱. وَعَدَ هُمْ فِي خَيْرٍ وَ هُمْ فِي بَدَنِ اسْتِعْمَالِ مِي شُود، وَعَدَّتْهُ بِنَفْعٍ وَ ضَرَرٍ. وَعَدَاً وَ مَوْعِدَاً وَ مِيْعَادَاً كِه سِه مَصْدَر دَارِد يِعْنِي اُو رَا بِه سُود وَ زِيَان وَعِدِه دَادَم اَمَا وَعِيْد فَقَطْ دَر بَدِي وَ شَرِّ وَ زِيَان اسْتِ وَ مَصْدَرش مُعَاوَدَةٌ وَ تَوَاعِد اسْتِ وَ دَر آيَه اَلَا اِنَّ وَعَدَ اللّٰهُ حَقًّا... هِم مَعْنَاي وَعِدِه وَ هِم وَعِيْد وَ جُود دَارِد يِعْنِي اَيْن وَعِدِه اِي اسْتِ دَر قِيَامْتِ وَ آخِرْتِ وَ پَادَاش بِنْدِگَان اسْتِ اِكْر كَارشَان خَيْر بُوْدِه پَادَاش نِيكُو وَ اِكْر شَر بُوْدِه جَزَاي بَدِي خُود رَا مِي بِيْنِنْدِ. (رَاغِب اَصْفَهَانِي، مَفْرِدَاتِ الْفَاظِ قُرْآن، ذِيْلِ وَاژِه وَعَدَاً)

۲. مانده، ۹

۳. یونس، ۴۰

۴. نساء، ۱۲۲

۵. حجر، ۴۴

۶. نور، ۵۵

۷. هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (فتح، ۴)

۸. فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (ص، ۷۲)

## 9. NRMS

۱۱. وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ. . . (نحل، ۳۶)
۱۲. وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْخَلِنَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخَلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور، ۵۵)
۱۳. الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد، ۲۸)
۱۴. بر اساس سخن معروف از علی (ع) « رحم الله امرء. . . عِلِمٌ مِنْ أَيْنِ وَ فِي أَيْنِ وَ إِلَى أَيْنِ » این حدیث در منابع روایی به چشم نمی‌خورد. برخی از دانشمندان شیعه و سنی این حدیث را به امام نسبت داده‌اند. (ر. ک: آملی، سید وحید، جامع الاسرار، ص ۴۸۶ و تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، ج ۱، ص ۱۵۸)

۱۵. إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ (تغابن، ۱۷)

## 16. Rationalism

۱۶. وَلَنَبَلِّغَنَّكُمْ شَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ (بقره، ۱۵۵ تا ۱۵۷)
۱۷. الگوی تعالیم عرفانی دستیابی به ادراکی متفاوت و شورانگیز از واقعیت هستی در ارتباط با ریاضت‌ها و مراقبت‌های سخت عملی است.
۱۸. وَلَا تَقَفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (إسراء، ۳۶)
۱۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَبِئْسَ كُفْرًا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (مائده، ۱۰۵)

## فهرست منابع

قرآن

نهج البلاغه

۱. آملی، حیدر بن علی، (۱۳۶۸)، جامع الاسرار و منبع الانوار، تصحیح هنری کربین و عثمان اسماعیل یحیی، چاپ دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و انجمن ایران شناسی فرانسه.
۲. آذربایجانی، مسعود، (۱۳۸۵)، «ساختار معنایی ایمان در قرآن»، فصل‌نامه انجمن معارف اسلامی ایران.
۳. ابن منظور، (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، جلد ۱۳، قم: نشر حوزه.
۴. احمدی، احسان و سمیه شاه‌حسینی، (۱۳۹۴)، در قلمرو سایه‌ها، تهران: نارگل.
۵. احمری، حسین و مریم غلامحسین‌نژاد، (۱۳۹۴)، «تأثیر امیدواری به خدا در سعادت دنیوی و اخروی فرد و عوامل دستیابی به آن»، فصل‌نامه علمی بصیرت و تربیت اسلامی.
۶. ایزوتسو، توشیهیکو، (۱۳۷۸)، مفهوم ایمان در کلام اسلامی، ترجمه زهرا پورسنیا، تهران: سروش.
۷. پاکالدی، نیکلاس، (۱۳۷۷)، فلسفه علم، ترجمه علی حقی، تهران: سروش.
۸. تفتازانی، سعدالدین، (۱۴۱۹ق)، شرح المقاصد، بیروت: عالم الکتب للطباعة والنشر والتوزیع.
۹. توله، اکهارت، (۱۳۸۸)، زمینی نو، ترجمه میترا معتضد، تهران: البرز.
۱۰. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۹)، نیروی حال، ترجمه مسیحا برزگر، تهران: ذهن آویز.
۱۱. دالایی لاما، (۱۳۸۴)، زندگی در راهی بهتر، ترجمه فرامرز جواهری نیا، تهران: ماهی.
۱۲. دایر، وین، (۱۳۸۴)، عرفان داروی دردهای بی‌درمان، ترجمه محمدحسن نعیمی، تهران: کتاب آیین.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، تصحیح داوودی و صفوان عدنان، چاپ اول، بیروت: دارالشامیه.
۱۴. ربانی گلپایگانی، علی، (۱۳۸۲)، نقد مبانی سکولاریسم، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۱۵. سنگین، هانیه، (۱۳۹۴)، «مقایسه‌ی دیدگاه‌های اسلام و عرفان‌های نوظهور به معاد از منظر روانشناسی»، همایش اسلام و سلامت روان.

۱۶. شریفی دوست، حمزه، (۱۳۹۲)، *عرفان‌های کاذب راه‌های نفوذ و راهکارهای مقابله*، قم: معارف.
۱۷. شولتز، دوان، (۱۳۸۶)، *روانشناسی کمال (الگوی شخصیت کمال)*، چاپ چهارم، ترجمه گیتی خوش‌دل، تهران: پیکان.
۱۸. شیخ قمی، مریم، (۱۳۹۶)، «*رشد معنوی انسان از منظر قرآن و حدیث*»، فصل‌نامه پژوهش‌های معنوی.
۱۹. شین، اسکاول، (۱۳۸۶)، *چهار اثر*، ترجمه گیتی خوش‌دل، تهران: پیکان.
۲۰. صدرالدین شیرازی، محمد ابن ابراهیم، (۱۳۶۹)، *حکمت متعالیه*، جلد ۹، قم: منشورات مصطفوی، ص ۱۲.
۲۱. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۲ق)، *الحکمه المتعالیه*، جلد ۸، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۲. طاهری، محمدعلی، (۱۳۸۹)، *موجودات غیرارگانیسم*، ارمنستان: بی نا.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، جلد ۱۰ و ۱۵، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۴. عابدی، محمدقائم، امیرعباس علیزمانی و احد فرامرز قراملکی، (تابستان ۱۳۹۹)، «*تبیین مفهوم زندگی و نقش آن در معناداری زندگی با تاکید بر دیدگاه صدرالمألهین شیرازی*»، *مجله اندیشی دینی شیراز*، شماره ۷۵، ص ۸۶-۶۷.
۲۵. فرانکل، ویکتور امیل، (۱۳۹۰)، *انسان در جستجوی معنا*، ترجمه نهضت صالحیان و میهن میلانی، تهران: درسا.
۲۶. فعالی، محمدتقی، (۱۳۸۹)، *آفتاب و سایه‌ها*، تهران: عابد.
۲۷. فورد، دبی، (۱۳۸۱)، *نیمه تاریک وجود*، ترجمه فرناز فرود، تهران: کلک آزادگان.
۲۸. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، جلد ۴، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۹. کلمپ، هارولد، (۱۳۷۹)، *کودک در سرزمین وحشی*، ترجمه مینو ارژنگ، چاپ دوم، تهران: البرز.
۳۰. گنون، رنه، (۱۳۸۷)، *بحران دنیای متجدد*، ترجمه حسن عزیزی، تهران: حکمت.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، جلد ۷، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

۳۲. محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۳۶۷)، *میزان الحکمه*، جلد ۱، چاپ دوم، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳۳. مصباح یزدی، (۱۳۸۴)، *آموزش عقاید*، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۴. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، جلد ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۶)، *انسان کامل*، تهران: صدرا.
۳۶. مظاهری سیف، حمیدرضا، (۱۳۹۳)، *تجربه‌های عرفانی در ادیان*، قم: بوستان کتاب.
۳۷. \_\_\_\_\_، (زمستان ۱۳۹۰)، «ویژگی‌ها و علل جنبش‌های نوپدید معنوی»، *مجله مطالعات معنوی*، شماره ۲، ص ۲۰۳-۱۷۵.
۳۸. \_\_\_\_\_، (آبان ۱۳۸۷)، «معنویت مدرن»، *مجله پگاه حوزه*، شماره ۲۴۲.
۳۹. \_\_\_\_\_، (دی ۱۳۸۷)، «مروری بر عوامل و ویژگی‌های معنویت‌های نوظهور»، *مجله معارف*، شماره ۶۲.
۴۰. مقدس، حسین و کارخانه، جواد، «ایمان به وعده‌های الهی و هدفمندی زندگی از منظر قرآن کریم»، *فصلنامه مطالعات قرآنی*، ۱۳۹۹، ص ۲۹۴.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، جلد ۱۴، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۲. موسوی نسب، سید جلال الدین، (۱۳۸۴)، *گنجینه اسرار یوگا*، تهران: فردوس.
۴۳. همیلتون، ملکم، (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
۴۴. ویل دورانت، (۱۳۷۸)، *تاریخ تمدن*، جلد ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی تهران.
۴۵. ویلسون، برایان، (۱۳۸۰)، *جنبش‌های نوین دینی*، ترجمه قلی پور، مشهد: مرندیس.
۴۶. هی، لوئیز، (۱۳۸۰)، *سفر زندگی*، ترجمه مینا اعظامی، تهران: فراروان.
۴۷. هینلتز، جان. آر، (۱۳۸۶)، *فرهنگ ادیان جهان*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات ادیان و مذاهب.